



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني : آزاده ، ټولنيزه، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست !

## عبدالحنان «نوس»

تاریخ نشر : 21 جولای 2015 م



# آرامش



جوانی شکسته دلی بود با دنیای غم کنار دریا نشسته بود شوریده و افسرده به آب نگاه می کرد .  
موسفیدی از آنجا می گذشت. او را دید و متوجه حالت پریشانش شد و کنارش نشست. مرد  
جوان وقتی کاکا را دید بی اختیار گفت:  
عجیب زمانه شده هر قدر زحمت میکشم و کوشش میکنم زنده گی ام سرو سامان نمیگرد دلم تنگ  
است به شدت نیازمند آرامش هستم و نمی دانم این آرامش را از کجا پیدا کنم؟

مرد دانا برگی از شاخه افتاده روی زمین کند و آن را داخل آب انداخت و گفت: به این برگ نگاه کن وقتی داخل آب می افتد خود را به جریان آن می سپارد و با آن می رود. سپس سنگی بزرگ را از کنار جوی آب برداشت و داخل دریا انداخت. سنگ به خاطر سنگینی اش داخل آب فرو رفت و در عمق آن کنار بقیه سنگ ها قرار گرفت.

**کاکا موسفید چنین گفت:**

این سنگ را هم که دیدی. به خاطر سنگینی اش توانست بر نیروی جریان آب غلبه کند و در عمق دریا قرار گیرد. حال تو به من بگو آیا آرامش سنگ را می خواهی یا آرامش برگ را؟ مرد جوان مات و متحیر به ابرو های بلند و سفید کاکا نگاه کرد و گفت: اما برگ که آرام نیست. او با هر افت و خیز آب دریا بالا و پائین می رود و فعلا معلوم نیست کجاست؟ لافل سنگ می داند کجا ایستاده و با وجودی که در بالا و اطرافش آب جریان دارد اما محکم ایستاده و تکان نمی خورد. من آرامش سنگ را ترجیح می دهم.

**کاکا موسفید چیز فهم لبخندی زد و گفت:**

پس چرا از جریان های مخالف و ناملايمات جاری زندگیت می نالی؟ اگر آرامش سنگ را برگزیده ای پس تاب ناملايمات را هم داشته باش و محکم هر جایی که هستی آرام و قرار خود را از دست مده. این را گفت و بلند شد تا برود. مرد جوان که آرام شده بود، نفس عمیقی کشید و از جا برخاست و مسافتی با مرد دانا همراه شد. چند دقیقه که گذشت موقع خداحافظی مرد جوان از کاکا پرسید: شما اگر بجای من میبودید آرامش سنگ را انتخاب می کردید یا آرامش برگ را؟

**مرد دانا لبخندی زد و گفت:**

من تمام زندگی خودم را با اطمینان به دریا هستی به جریان زنده گی سپرده ام و چون می دانم در آغوش دریای ای هستم که به سوی هدفی می رود پس از افت و خیزهایش هرگز دلتنگ نمی شوم. من آرامش برگ را می پسندم..

بلی دوستان عزیز و گرامی اگر شما امید و ارزوی در دل دارید پس بدانید که خداوند شما را لایق آن دانسته دعای قلبی من را بخاطر صحت و سعادت تان بپذیرید.

\*\*\*

عبدالحنان « نوس »

[www.said-afghani.org](http://www.said-afghani.org) - بارگشت به صفحه اصلی